

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مېباد بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

دپلوم انجنیر خلیل الله معروفی
برلین، هژدهم دسمبر ۲۰۰۹

"دری" و "پشتو" برادران سکه همد (قسمت پنجم)

چقدر مظلوم است زبان پشتو!!!

به حیث قسمت پنجم این سلسله مقاله ای را با تعدیلات و اضافات تقدیم میکنم، که به تاریخ ۱۶ مارچ ۲۰۰۷ در پورتال "افغان جرمن آنلاین" و تعدادی از سایتهای دیگر نشر گردیده بود:

دپلوم انجنیر خلیل الله معروفی
برلین، ۱۶ مارچ ۲۰۰۷

چقدر مظلوم است زبان پشتو

بی مهری "دوست" و "دشمن" با زبان پشتو

چندی پیش در حلقه دوستان بودم و از هر در سخن میرفت. یکی از میانه، از وطنداری قصه میکرد، که در ایران کلان شده و بالاجبار لهجه فارسی ایران را آموخته، و اینک که به افغانستان برگشته است، به گفته او "بسیار رنج می برد، که چرا به لهجه دری وطن خویش گپ زده نمیتواند." گفت:

«رنج دگر این هموطن ازین بود، که میگفت: "زبان پشتو در حال مردن است"»

و باز گفت که همین هموطن پرورده در ایران، عزم جزم کرده است، تا زبان بزرگ و رسمی دیگر افغانستان، یعنی "پشتو" را هرو مرو فراگیرد.

قصه بالا که محرک نگارش این مقال شده است، نمونه بارزیست از این نکته که:

«نه هر که در ایران زیست و سبق خواند، بیگانه از "افغانیت" میگردد»؛ درست در سمت مخالف کسانی که در ادوار پیشین و پسین در ایران درس خواندند، فارغ التحصیل پوهنتون های آن سامان گردیدند و در مدارهائی قرار گرفتند و یا قرار داده شدند، که به مجرد بازگشت به وطن، به کارهای خلاف منافع وطن و مصالح ملی، دست زدند. "ستیزیدن با زبان پشتو" - در هیئت "هیولا نشان دادن زبان پشتو"، "مسخره ساختن زبان

پشتو" و "نفرت ورزیدن با زبان پشتو" - " ، عناد ورزیدن با "پشتونان" ، منفور نشان دادن نام فاخر "افغانستان" و دشمنی کردن با کلمه فحیم "افغان" در صدر کارهای ناروا و نابکاریهای آشکارای ایشان قرار داشت و قرار دارد. این نکته آنقدر هویدا و این افراد آنقدر رسوا و برملا شدند، که جای مثال زدن را باقی نمیگذارند. متأسفانه زبان پشتو، که یکی از دو زبان بزرگ و رسمی کشور ماست، با دو بی مهری مواجهست :

- "بی مهری دوست"

- "بی مهری دشمن"

بی مهری "دشمن" چیز نیست، که انتظارش همیشه میرود، و هیچ کس هم از دشمن نباید "توقع دوستی" داشته باشد. اما طرفه اینست، که پشتوزبانان و طرفداران زبان پشتو، یعنی "دوستان زبان پشتو" نیز، روی خوشی بدین زبان نشان نمیدهند. اینکه دانشمندان پشتون به زبان مادری خود، کمتر میرسند و بیشتر به زبان دری انهماک می ورزند، هم کاریست درست و هم نادرست. "درست بودن" این کار ازینرو، که این امر از یک طرف "بی تعصبی پشتونان" را نسبت به "زبان دری"، نشان میدهد، و از طرفی به باروری و پرورش دادن بیشتر "زبان دری" می انجامد، که نیز زبان بزرگ و ملی کشور ما و در خور هرگونه پرورش و توجه است.

"نادرست بودن" این امر درین مضمّن است، که این کار به قیمت "بی توجهی" به زبان مادری ایشان، یعنی "زبان پشتو"، تمام میگردد و هر قدر این میلان بیشتر گردد، ضربه اش بر "زبان پشتو" بارزتر و کشنده تر میگردد؛ لاقلاً در سطح زبان به اصطلاح "معیاری" پشتو، که زبان تعلیم یافتگان و قشر درس خوانده و مکتب دیده پشتونهای ماست.

"دشمنی ورزیدن با زبان پشتو" را بعض ساینتهای معلوم الحال اینترنتی و جراند خودفروخته، و تلویزیون های تفرقه افکن، عملاً علم کرده و به صراحتی در حد "چشم سفیدی" ، تبلیغ میکنند.

گرچه از طریق امکاناتی که مطبوعات "آزاد" جوامع دموکرات بدست میدهد، و خصوصاً از طرقی که اینترنت میسر ساخته، این ناروایی به اوج و حد اعلاش رسیده است. اما در زمانی که نه افغانان از تربیون مطبوعات آزاد جهان گپ زده میتوانند و نه از کمپیوتر و اینترنت خبری بود، نیز کسانی در داخل وطن و در چوکاتی که برایشان مقدور و میسر بود، در زمینه مصروف تخریبکاری بودند.

مثلاً از زبان اشخاص متقن شنیده ام، که در زمانه های پیش دسته ای از به اصطلاح "فرهنگیان" دری زبان تشکیل گردیده بود، که به مجرد نشر و پخش گردیدن آثار پشتو، به بازار میرفتند، نسخه های بسیار آنها را میخریدند و همه را "درمیدادند" ، "میسوختاندند" و به اصطلاح بانکی "حریق میکردند". هدف ایشان ازین کار این بود، تا آثار علمی پشتو، هرگز بدست خواننده نرسد. شنیده ام که درین گروه اشخاص سرشناس ادبیات دری پوهنتون کابل - که ذکر نامشان را فعلاً لازم نمیدانم - انهماک داشتند. حتی قصه کردند، که اشخاصی به اتهام این جرم به محکمه هم کشانیده شده بودند. این که این روایت تا چه حد واقعیت داشته، نمیدانم ولی بجد میدانم که کسانی از استادان پوهنتون بودند و هستند، که عملاً با زبان پشتو عداوت و ضدیت بخرج میدادند و میدهند. و ساده ترین شیوه عداوت و ضدیت ایشان، استحقار و مسخره ساختن "زبان پشتو" بود و است. نمونه نوشته های این استادان "زبان ستیز" و "قوم پرست" را همین اکنون در بعض ساینتهای خودفروخته اینترنتی، مطالعه کرده میتوانیم.

حالا برویم و به بررسی اصل موضوع بپردازیم و بپرسیم، که آیا زبان پشتو واقعاً در آستانه اضمحلال و نابودی قرار دارد، همان طوری که آن وطندار دلسوز و پرورده ایران ، میپندارد؟؟؟
مقدمتاً نکاتی چند را پیش میکشم:

زبانشناسی معاصر بما می آموزد، که: « زبانها همه ارزش مساوی و یکسان دارند و هیچ زبانی برتر یا کمتر از زبان دیگر نیست.» این نکته کنه و ذات زبانها را تشریح میکند و عمدتاً راجع میگردد به "دستگاه های گرامری و صوتی" زبان. اما زبان علاوه از این دو دستگاه، دستگاه دیگری هم دارد، که همانا "دستگاه لغوی" آنست. اصالت زبانها از روی ساخت دستوری و صوتی آنها تشخیص میگردد و "دستگاه لغوی" آن که متشکل از تمام لغات و اصطلاحات موجود و رائج در همان زبان است، بخاطر "متحول بودن" خود، در زمینه نقشی را بازی نمیکند، و اگر بازی کند، نقشی خواهد بود بسیار فرعی و کناری.

دستگاه لغوی زبان ، که "جهاز باز زبان"* نیز خوانده شده است، متشکل از مجموعه همه لغات و کلماتی میباشد، که در آن بکار میرود - خواه از خود زبان برخاسته باشند و یا از زبانهای دیگر وارد آن شده باشند - و همیشه متغیر و متحول است. در حالی که دو جهاز دیگر زبان یا هیچ متغیر نیستند و اگر هم باشند، سیر تحول شان آنقدر بطیء و کند است، که اهل زبان آنرا اصلاً درک نمیکند. پس همین متحول و متطور بودن "جهاز لغوی" زبان است، که خاصیت معیاری و مقیاسی را از این جهاز، میریابد.

با پیشکش این تمهید ، میروم بسوی اصل مطلب و بدین منظور ، چند سؤال را مطرح میسازم :

- آیا واقعاً زبان پشتو در حال مردن و از بین رفتن است؟؟؟

- آیا موجودیت لغات پشتو ، زبان دری را آلوده میسازد؟؟؟

- آیا پاکسازی یک زبان از لغات زبانهای دیگر ، کاریست درست؟؟؟

– آیا حذف کلمات پشتو از "زبان دری"، خواست خود افغانان است، یا اینکه در پس پشت این تلاش ناروا، دستان پلید و نابکار اجانب، در کار است؟؟؟

به این سؤالات در مقالات آینده خویش جواب خواهم گفت، ولی هیچ مانعی نمی بینم، اگر خوانندگان عزیز این نوشته نیز دست به قلم ببرند و نظریات خود را پیش بکشند؛ پیش از آنکه من بدان پردازم.

عجالتاً عرض میکنم، که اگر زبانی حتی "یک نفر" گوینده هم داشته باشد، نتوان "مرده" اش پنداشت. و به گفته شیرین و وطن دوستانه مرحوم استاد شاه ولی ولی "ترانه ساز" که در جوش اشغال افغانستان بدست اردوی خود آشام سرخ و در جوش و خروش جهاد، فرمود و سرود:

تا یک نفر افغان است، زنده افغانستان است!!!!

توضیح *:

"جهاز لغوی" زبان را ازین سبب "جهاز باز" یا "دستگاه باز" زبان مینامند، که دروازه هایش بروی هر کلمه و لغت خارجی به اصطلاح "چار پلکه" باز است. از همین خاطر هیچ کس جلو ورود کلمات را به هیچ زبانی گرفته نمیتواند. آزمندان دقیقاً از همین خاصیت، که در واقع جزء طبیعت زبان هم هست، سوء استفاده کرده و میکوشند، کلمات و اصطلاحاتی را صادر کنند، که اهداف ایشان ایجاب کند. نمونه بارز این واقعیت تلخ را در سالهای اخیر و خصوصاً در لیل و نهار سی سی و پنج سال اخیر افغانستان، به چشم سر مشاهده کردیم و میکنیم. ما واقعاً به چشم گنهار و گنهار خود می بینیم، که ایادی سرسپرده بیگانه کلماتی را وارد دری افغانستان میکنند، که از آن جرقة "نفاق قومی" و بالوسيله "نفاق ملی" سر زده بتواند!!!!